

خودکشی از منظر حکمت عملی، فلسفه اخلاق و فقه اسلامی

دکتر سید مصطفی محقق داماد^۱

چکیده

خودکشی امری است که از دیرباز ذهن فلاسفه و علمای مذهبی را به خود مشغول کرده است. مکاتب اخلاقی در خصوص مسأله خودکشی دیدگاههای مختلفی را ارائه داده اند که در این مقاله از میان آن مکاتب دیدگاههای مکاتب اصالت فایده و اصالت وظیفه مورد بررسی قرار می گیرد در فقه اسلامی نیز در این خصوص علمای شیعه و اهل سنت دارای نظرات مختلفی هستند. عده ای از آنها به طور مطلق قائل به حرمت این عمل بوده و در تأیید نظر خود به آیات و روایات و دلیل عقل استناد کرده اند. از سوی دیگر عده ای معتقدند که حکم حرمت خودکشی در پاره ای موارد مشمول استثناء می شود و در تأیید این مطلب مواردی را از باب مثال ذکر کرده اند. در مقاله حاضر این نظریات و دیدگاهها بیان شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: خودکشی، فلسفه اخلاق، فقه اسلامی، حکمت عملی

۱- مدیر گروه فقه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و رییس بخش علوم اسلامی فرهنگستان علوم

بخش اول: خودکشی از منظر حکمت عملی و فلسفه اخلاق

۱- خودکشی از دیدگاه حکمت عملی

الف- خودکشی در یونان باستان

انتحار در جمع مباحث اخلاق عملی، موضوعی بدیع و نو نیست، در آتن باستان، دست‌های فردی که خودکشی می‌نمود را بریده و جدا از هم در خاک می‌کردند و بدن او را نیز در جایی دیگر از سایر اموات دفن می‌نمودند، به این منظور که حتی پس از مرگ نیز مجازات و کیفر در حق او به مرحله اجرا درآید. حسب نظریه فیثاغورثیان خودکشی مطلقاً عملی ناموجه است، لکن افلاطون در کتاب (فیدو) خودکشی را در حالات؛ شرم، ناراحتی بسیار شدید، فقر، فلاکت بی‌حد، و اجبار خارجی از نوعی که بر سقراط از سوی دادگاه آتن تحمیل شد، مجاز می‌شمرد. در کتاب «جمهوریت» و کتاب «قوانین»، افلاطون در هر کدام به ترتیبی خاص تاکید دارد بر این که چنانچه شخصی از بیماری لاعلاج، دردناک و مزمن در رنج باشد یا تحت سیطره انگیزه‌های جنایت‌کارانه غیر قابل کنترل قرار داشته باشد، لازم است اجازه داده شود که به زندگی خود پایان دهد یا حتی سبب شود که چنان کاری انجام شود. یونانیان و رومیان تا آن حد در این خصوص به افراط می‌پرداختند که انتحار را به عنوان عملی مسئولانه و شایسته از سوی فرد عاقل تلقی می‌کردند و نه به عنوان عملی که از روی طغیان عواطف و غلبان احساسات انجام می‌شود بلکه آن را به مثابه نمودی اصولی، مبتنی بر وظیفه و اقدام ارادی فرد در اختتام حیات خود محسوب می‌داشتند. این نوع برداشت‌ها عملاً از سوی لوکرشیا^۱، کاتوی اصغر^۲ و سنکا^۳ به منصفه ظهور رسید.

۱. قرن ۶ ق.م.

۲. ۹۵ - ۴۶ ق.م.

۳. حدود ۴ ق.م - ۶۵ میلادی.